

نگاه متفاوت محمد شحرور به برخی مفاهیم قرآن‌شناختی

مروری بر مقاله‌ اندریاس کریسمان

شیرین رجب‌زاده

درآمد

اندریاس کریسمان (متولد ۱۹۶۵) فارغ‌التحصیل مطالعات اسلامی از دانشگاه لایپزیک آلمان و استاد سابق دانشگاه منچستر انگلستان است. به نظر می‌رسد ابتدا تحقیقات او درباره سوریه توجهش را به نظریات محمد شحرور، نواندیش معاصر سوری، جلب کرد و همین علاقه به آشنایی بیشتر و دیدار او با محمد شحرور انجامید. پس از آن، با نگارش یک کتاب و چند مقاله به انگلیسی در صد معرفی شحرور به دنیای غرب برآمد. در نوشتار حاضر، یکی از مقاله‌های کریسمان درباره اندیشه شحرور را با عنوان «ثبات فرم و حرکت محتوا: متن قرآن و تفسیرهای آن در کتاب و القرآن محمد شحرور» مرور خواهیم کرد. این مقاله در کتاب «نواندیشان مسلمان متجدد و قرآن» آمده است که انتشارات دانشگاه آکسفورد با همکاری مؤسسه مطالعات اسماعیلیه در لندن به‌عنوان نخستین شماره از مجموعه «مطالعات قرآنی» در ۲۰۰۴ منتشر کرد. در این مقاله، کریسمان به دنبال بیان دیدگاه‌های شحرور درباره برخی مفاهیم علوم قرآن با تکیه بر مهم‌ترین کتاب او یعنی «الکتاب و القرآن: قراءه معاصره» است.

این مقاله شامل پنج بخش است: مقدمه، تلقی شحرور از متن قرآن، تلقی شحرور از وحی، تلقی شحرور از اعجاز و تفسیر قرآن و نتیجه. در یادداشت‌های انتهای مقاله، کریسمان توضیحات دقیق و مفصلی ذکر می‌کند که برخی موضوعات اشاره‌شده در متن را به خوبی روشن می‌کند. در مقدمه مقاله، پیش از ورود به مباحث اصلی، به زندگی‌نامه شحرور می‌پردازد و به فرازهای مهمی از حیات او، که در شکل‌گیری شخصیت علمی‌اش نقش بسزایی داشته، اشاره می‌کند. شحرور متولد ۱۹۳۸ در دمشق و ششمین فرزند از خانواده‌ای متوسط و معمولی بود، در دانشگاه مسکو و ایرلند در رشته مهندسی راه و ساختمان و مکانیک خاک تحصیل کرد و در همین رشته در دانشگاه دمشق به تدریس پرداخت. او هرگز در علوم اسلامی آموزش رسمی دینی ندید و تمام دانشش در این موضوع را از طریق مطالعه خودخوان و خودآموز کسب کرد. انگیزه او از پرداختن به مطالعات اسلامی یافتن راه حلی برای خروج مسلمانان از بحران سیاسی و فکری بود. طی این مطالعات، او از مذاهب و مکاتب سنتی برای یافتن راه حل مناسب ناامید شد و خوانشی معاصر از نص ارائه داد. شحرور – که در زمان انتشار مقاله کریسمان حدود ۶۵ سال داشت – در آخرین روزهای سال ۲۰۱۹ در سن ۸۱ سالگی در ابوظبی درگذشت.

کریسمان معتقد است که چون شحرور تعلق خاطری به تراث اسلامی ندارد، به راحتی می‌تواند آن را نقد کند. شحرور به‌عنوان فردی که از خارج وارد میدان تعالیم اسلامی شده، چاپ کتاب را تنها وسیله برای اشاعه نظریاتش می‌داند. او با چاپ نخستین کتابش با عنوان «الکتاب و القرآن: قراءه معاصره» در ۱۹۹۰ ناگهان در ۵۲ سالگی به شهرت رسید، چرا که محتوای این کتاب با نگاه رایج سنتی بسیار متفاوت بود. از آن پس، به چاپ سایر آثار خود ادامه داد اما در این راه نه تنها از پشتیبانی هیچ سازمانی برخوردار نبود، بلکه متهم شد به اینکه از سوی سازمان‌های خارجی و صهیونیستی

حمایت می‌شود، به دنبال اشاعه تفکرات مارکسیستی است یا به ارائه دینی جدید و تفسیری تفننی از قرآن مشغول است. حتی هم‌کیشان نواندیش او، همچون نصر حامد ابوزید، از او انتقاد کردند. به تعبیر کریسمان، او همانند پیامبری است که در میان قوم خود تنها مانده است.

کریسمان با این مقدمه، به تبیین اصطلاح‌شناسی قرآنی شحرور پرداخته تا رهیافت هرمنوتیکی او را به متن قرآن روشن کند و پس از آن دو نظریه مهم شحرور درباره وحی و اعجاز را توضیح می‌دهد. او در بخش دوم مقاله با عنوان تلقی شحرور از متن قرآن، رهیافت قرآنی شحرور را با واژه «آشنایی‌زدایی» توصیف می‌کند. در فرآیند «آشنایی‌زدایی» عناصر آشنا به ناآشنا بدل گشته و قواعد جاافتاده از میان می‌رود. شحرور در این فرآیند از خواننده خود می‌خواهد برای فهم قرآن ذهنش را از تفاسیر گذشته پاک کند و قرآن را به گونه‌ای بخواند که گویا هم‌اکنون بر پیامبر نازل شده و برای نخستین بار آن را می‌بیند. از همین رو، دیدگاه‌های سنتی مسلمانان درباره قرآن را تحت تأثیر مجموعه‌ای از «مسلمات غیرقابل اعتماد موروثی» در سنت اسلامی می‌داند. طرح چنین سخنانی از جانب شحرور نقدهای تند بی‌شماری را از سوی علمای اسلام به دنبال داشت.

به‌گفته کریسمان، بهترین منبع برای آشنایی با خوانش معاصر شحرور مهم‌ترین کتاب او «الکتاب و القرآن: قراءه معاصره» است. شحرور برای ارائه این خوانش معاصر به زبان‌شناسی، فلسفه، علوم طبیعی و همچنین ریاضیات، که تخصص او به‌عنوان یک مهندس است، توجه داشته است. وی در خوانش خود بر این عقیده است که باید میان خداوند، که واقعیتی تغییرناپذیر است، با فهم انسان، که متغیر و جزئی و نسبی است، تمایز قائل شد. فهم انسان پیوسته در حال تغییر و تکامل است و پیشرفت‌های علمی در درک جهان نقش بسزایی دارند. در نتیجه، تلاش‌های امروزی برای تأویل جهان نتیجه‌بخش‌تر از تحقیقات قرون گذشته است. شحرور این تمایز میان خداوند و فهم انسان را به متن قرآن تسری می‌دهد و قائل به ثبات نص قرآن و تغییر و حرکت محتوای آن است.

از نظر کریسمان، کلید فهم خوانش شحرور و تلاش او برای «آشنایی‌زدایی» از قرآن درک معناهای تازه‌ای است که او به اصطلاحات مانوس قرآن می‌دهد. او تعریف‌های متداول سنتی از اصطلاحات قرآنی را ویران کرده و با شاهد آوردن از متن قرآن تعریف جدیدی از اصطلاحات ارائه می‌دهد. بر این اساس، اصطلاحات و مفاهیم جدید او برای عالمان سنتی غیرقابل هضم و فهم آن‌ها برای خوانندگان دشوار است. کریسمان این فهم غیرمتعارف شحرور را مبتنی بر اصل «عدم ترادف» می‌داند که، برخلاف فهم سنتی، واژگان قرآن را غیرمترادف و هر یک را دارای معنای جداگانه می‌داند.

کریسمان برای نشان دادن تفاوت فهم شحرور از متن قرآن با فهم سنتی از چندین جدول و نمودار استفاده می‌کند که نتیجه آن از این قرار است: نخست اینکه در فهم سنتی و متعارف، «الکتاب» مساوی با «القرآن» است، ولی شحرور «الکتاب» را اسمی عام می‌داند که بر کل محتوای مصحف (از سوره فاتحه تا ناس) دلالت می‌کند، حال آن که «القرآن» اسم خاص است و تنها شامل بخشی از مصحف می‌شود. تفاوت دوم اینکه شحرور در تقسیم آیات قرآن به محکم و متشابه، بر خلاف روال متعارف، آیات قرآن را به سه بخش تقسیم می‌کند: محکم، متشابه، نه محکم نه متشابه. سومین تفاوت در نگاه شحرور به مقوله نبوت و رسالت مربوط می‌شود که او «أم‌الکتاب» را رسالت می‌داند و «القرآن»، «السبع المثانی» و «تفصیل‌الکتاب» را نبوت قلمداد می‌کند. بر اساس تفسیر ذوقی او، «أم‌الکتاب» شامل حدود، شعائر و ارزش‌های اخلاقی است، «القرآن» شامل قوانین عام و خاص نظم‌دهنده وجود و قوانین تاریخ می‌شود و «السبع المثانی»، که در فهم متعارف به سوره فاتحه یا هفت سوره بلند قرآن تفسیر می‌شود، همان فواتح سور (حروف مقطعه)

است. شحرور، با تکیه بر زبان‌شناسی، این اصوات را حداقل حروف تشکیل‌دهنده زبان بشر می‌داند و اشاره می‌کند که «السبع المثانی» در زمره نبوت قرار می‌گیرد.

از نظر شحرور، همانگونه که خدا موضوعات متنوعی را وحی کرده، «الکتاب» نیز شامل موضوعات متنوعی است که هر یک از آنها به صورت کتاب‌هایی قابل دسته‌بندی و هر کتاب شامل موضوعات گوناگونی است؛ مثلاً «الکتاب» شامل کتاب خلقت، کتاب عبادت، کتاب قیامت و نظایر اینهاست و کتاب عبادت خود شامل کتاب‌های روزه، نماز، حج و نظایر اینها خواهد بود. او می‌گوید رسالت بیانگر قواعد رفتار انسانی و نبوت بیانگر قوانین عینی وجود است و اگر پیامبر مقام نبوت و رسالت دارد، قرآن باید انعکاس‌دهنده این هر دو باشد. لذا آیات محکم بیانگر رسالت و آیات متشابه بیانگر نبوت است و آنچه این دو دسته را تکمیل می‌کند و شرح می‌دهد آیات نه محکم نه متشابه (تفصیل‌الکتاب) است.

بخش سوم مقاله به تلقی شحرور از وحی اختصاص دارد. به گفته کریسمان، شحرور درباره نزول و وحی قرآن نیز همچون بسیاری دیگر از امور دینی دیدگاه متفاوتی دارد. او برای ارائه نظریه خود درباره نزول، نخست ترادف دو واژه «انزال» و «تنزیل» را، که حاکی از فرآیند «فرود آمدن» وحی بر پیامبر است، زیر سؤال می‌برد. پس از آن برای نشان دادن تمایز این دو واژه از تقسیم‌بندی خود از آیات قرآن (أم‌الکتاب، القرآن، تفصیل‌الکتاب) کمک می‌گیرد و آنگاه معنای «انزال» و «تنزیل» را مقایسه می‌کند.

کریسمان نظریه نزول شحرور را با استفاده از دو جدول چنین مطرح می‌کند: تنزیل نوعی از پیام‌رسانی است که طی آن ارتباطی عینی رخ می‌دهد که به وسیله انسان قابل دریافت نیست (مانند انتقال صدا و تصویر به وسیله امواج از شهری به شهر دیگر)، اما انزال به فرآیند تبدیل چیزی بیرون از ذهن انسان اشاره دارد به شکلی که حواس آدمی صریحاً آن را درک می‌کند (مانند تبدیل امواج به تصویر قابل مشاهده). شحرور قائل است که وحی به پیامبر نیز طبق همین نوع پیام‌رسانی‌ها صورت پذیرفته است. هنگامی که خداوند اراده می‌کند «القرآن» را به مردم عطا کند، باید آن را به ساختاری قابل درک بدل کند و عملیات تغییر و تحول در آن رخ دهد. به این عملیات تغییر و تحول در عربی «جعل» گفته می‌شود. بنا بر آیه ۳ سوره زخرف، «جعل» یعنی تغییر ساختار وجود مسبقی که در «لوح محفوظ» و «امام مبین» بوده است. به عنوان مثال ماجرای نوح وجود مسبقی در «لوح محفوظ» دارد که برای بیان باید در ساختار زبان عربی قرار گیرد.

«انزال» بخش «القرآن» بدان معناست که انتقال از ساختار غیر قابل درک به ساختار قابل درک زبان عربی در شب قدر انجام می‌پذیرد؛ و میان «جعل» و «انزال» تلازم (هم‌زمانی) وجود دارد. پس از این مرحله به انتقالی عینی نیاز است که این ساختار زبانی با «تنزیل» از طریق وحی (شنیداری و دیداری) در طول بیست‌وسه سال به نبی می‌رسد و او آن را به مردم منتقل می‌کند. تأکید شحرور در به کاربردن واژه «نبی» از آن جهت است که بخش «القرآن» به نبوت ارتباط دارد.

از آن‌جا که بخش‌های «أم‌الکتاب» و «تفصیل‌الکتاب» مصحف وجود مسبقی ندارند، «جعل» در مورد آن‌ها محقق نمی‌شود و «انزال» و «تنزیل» آن‌ها در طول بیست‌وسه سال هم‌زمان رخ می‌دهد و بدون واسطه از نزد خدا به قلب رسول منتقل می‌شود. این بار شحرور واژه «رسول» را از آن جهت به کار می‌گیرد که بخش «أم‌الکتاب» به رسالت ارتباط دارد. این نظریه جدید، از نظر کریسمان، دربردارنده سه نکته است: نخست آنکه شحرور نمی‌خواهد از دیدگاه معتزله و اشاعره در بحث نزول پیروی کند؛ دوم اینکه با تمایز میان «انزال» و «تنزیل» از تصدیق هر نوع بُعد مکانی برای نزول

وحی (وجود وحی در «لوح محفوظ» یا «امام مبین»)، برخلاف نظر رایج سنتی، خودداری می‌کند، سوم آنکه گرچه برای نزول وحی بُعد زمانی (نزول در طول بیست‌وسه سال) قائل است، ولی این نظر سنتی را، که وحی کامل قرآن در طی یک شب (شب قدر) صورت گرفته، به چالش می‌کشد.

در بخش چهارم مقاله، کریسمان دربارهٔ نظریهٔ اعجاز از نگاه شحرور تأکید می‌کند که او با توصیف سنتی از اعجاز مخالف است. او طرح اعجاز زبانی و بیانی و حتی اعجاز محتوایی را برای درک کامل اعجاز قرآن کافی نمی‌داند. از نظر شحرور، این دو بُعد تنها تحسین زیباشناختی متن قرآن است و این واقعیت که اعجاز قرآن به مسئلهٔ تأویل ارتباط دارد، در آن‌ها لحاظ نشده است. از نظر شحرور، تأویل یعنی هماهنگ‌ساختن ماهیت مطلق آیات قرآن با فهم نسبی خوانندگان. در نتیجه، چون بخش «القرآن» متشابه است و با زمینهٔ فکری و علمی هر عصری ارتباط دارد، باید بُعد اعجاز را به بخش «القرآن» مصحف که قابل تأویل است اختصاص داد. طبق گفتهٔ کریسمان، شحرور تأویل را سازگاری کامل میان دریافت حسی انسان از جهان با محتوای «القرآن» می‌داند. نمونهٔ این نوع تأویل نظریهٔ تکامل داروین و نظریهٔ نسبیت اینشتین است. از نظر شحرور، تأویل «القرآن» را هر کسی (مسلمان و غیرمسلمان) می‌تواند انجام دهد. بنابراین، «راسخان در علم»، طبق نظر رایج، فقها و علما نیستند بلکه فیلسوفان و محققانند که از جایگاه والایی در اجتماع برخوردارند. به عقیدهٔ کریسمان، از این سخن استنباط می‌شود که سرمایه‌گذاری در پیشرفت دانش‌های مدرن اهمیت بیشتری دارد.

چون بُعد اعجاز و تأویل تنها به بخش «القرآن» اختصاص دارد، در بخش «ام‌الکتاب» نمی‌توان از تأویل سخن گفت. این بخش موضوع اجتهاد فقها و علماست؛ اجتهاد کوششی است برای هماهنگ کردن احکام موقت با قوانین ثابت و ابدی قرآن. در نتیجه، طبق گفتهٔ کریسمان، اجتهاد و تأویل دو صورت متمایز تفسیر از نگاه شحرور است که بر حسب سطح معرفت هر عصر متفاوت و در مسیر تکامل است. شحرور بارها بر این تأکید دارد که پیامبر «القرآن» را به‌طور مطلق تأویل نکرد، تأویل او مرحله‌ای و زمانی بود و این امر را به آیندگان سپرد. اجتهاد پیامبر نیز الگوی کاملی برای اجتهاد است، اما نمونهٔ الزام‌آوری در سلوک انسانی نیست، چون اگر چنین می‌بود، تعالیم او صورت تغییرناپذیر پیدا می‌کرد. کریسمان این نکته را نیز یادآور می‌شود که شحرور، همچون بسیاری از نواندیشان، از اتکا به «سنت» تفسیری می‌پرهیزد و به تماس مستقیم با نص تمایل دارد. او به‌ندرت به آثار حدیثی استناد می‌کند و این عملکرد از سوی مخالفان او نقد شده است.

کریسمان در جمع‌بندی مقاله می‌گوید آنچه به رهیافت شحرور اصالت می‌بخشد این است که با تمام قراردادهای ژانر تفسیر قطع رابطه می‌کند و تقسیم‌بندی‌ها و تعریف‌های خود را از مفاهیم ارائه می‌دهد: نص قرآن را به دو بخش نبوت و رسالت تقسیم می‌کند؛ برای هر کدام از این بخش‌ها منبع و خاستگاه متفاوتی در نظر می‌گیرد؛ یکی با واسطهٔ «لوح محفوظ» و «امام مبین» نازل می‌شود و دیگری بدون واسطه از نزد خدا به قلب پیامبر می‌رسد؛ برای هر بخش ساختار زبانی متفاوتی تعریف می‌کند که یکی متشابه است و دیگری محکم؛ حتا معتقد است در تفسیر هر بخش رویکردی جداگانه نیاز است و به این ترتیب تأویل و اجتهاد دو سویهٔ متفاوت تفسیر می‌شوند. همهٔ این رویکردها و نظرات او با توافق عمومی در تاریخ تفسیر متفاوت و متناقض‌اند. در عین حال، او به هیچ ژانر، علم، سبک و ایدئولوژی‌ای یکسره پای‌بند نمی‌ماند، از علوم مختلف برای فهم متن قرآن استفاده و آن‌ها را با هم ترکیب می‌کند. این استراتژی آشنایی‌زدایی شحرور معیارها و هنجارهای توافق‌شده را به چالش می‌کشد تا نص قرآن را از دست روش تفسیری مکاتب انحصارطلب آزاد کند.

در پایان، نباید این نکته را از نظر دور داشت که شحورر پروژهٔ جامعی برای احیای اسلام در ذهن دارد که با فلسفهٔ جدیدی از انسان و دیالکتیک جهان‌شناختی آغاز می‌شود، از طریق نواندیشی در تفسیر و فقه پیش می‌رود، به ایجاد شالوده‌های جدید برای اقتصاد و سیاست و اخلاق و زیبایی‌شناسی اسلامی می‌رسد و در نهایت به اصلاح «واقعیت» موجود مسلمانان می‌انجامد.

